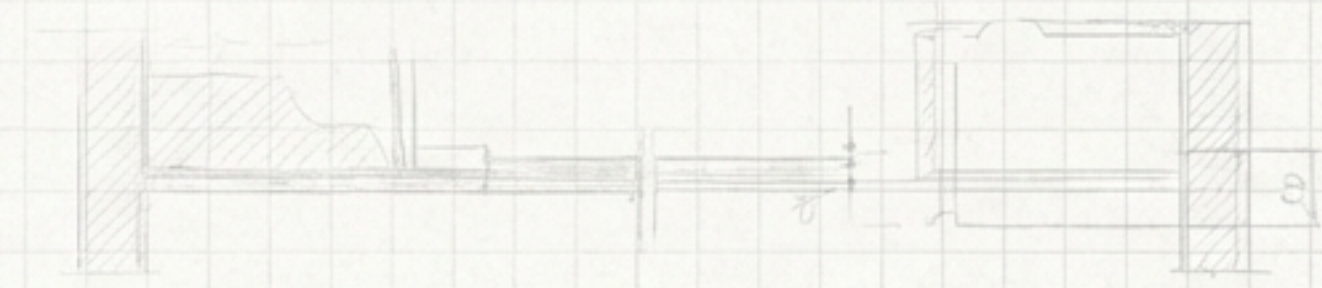


# آناتومی فروپاشی مهندسی شده

تحلیل استراتژیک الگوی مداله ایالات متحده در غرب آسیا و شمال آفریقا



گزارشی تحقیقاتی بر اساس بیش از ۲۰۰ سند مرجع شامل قطعنامه‌های شورای امنیت، گزارش‌های بازرسی ویژه بازسازی عراق (SIGIR)، و اسناد وزارت خزانه‌داری آمریکا.

# روایت رسمی: مجموعه‌ای از "شکست‌های پرهزینه"



اشتباه محاسباتی

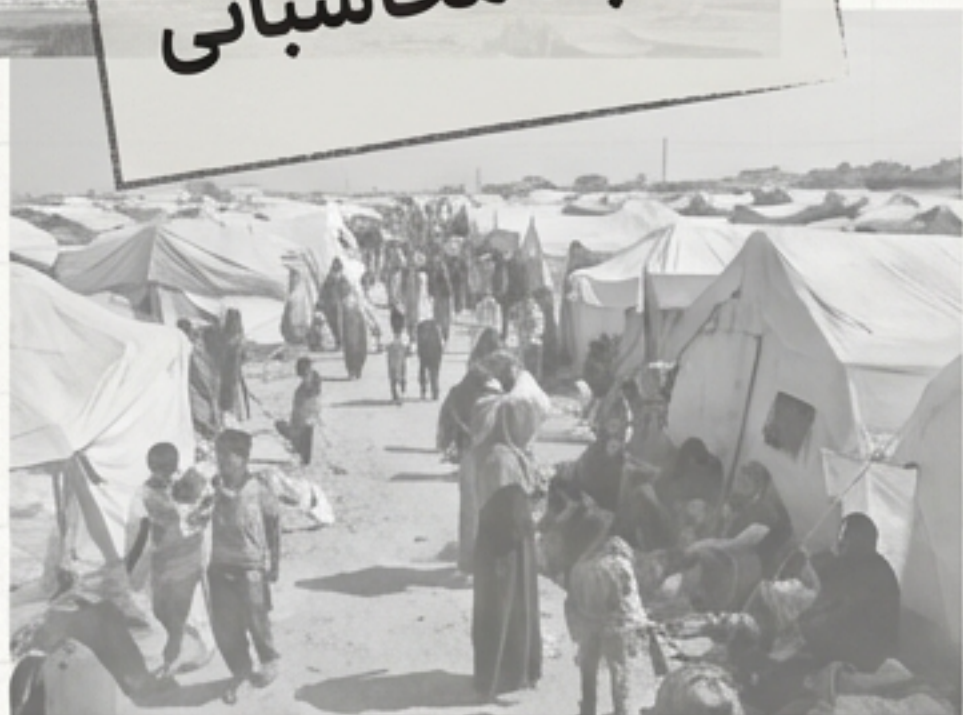
در تحلیل‌های رایج، مداخلات نظامی آمریکا در عراق و لیبی اغلب به عنوان "اشتباهات محاسباتی" یا "محاسباتی" یا "شکست در ملت‌سازی" توصیف می‌شوند. این روایت، پیامدهای ویرانگر را به برنامه‌ریزی ضعیف یا پیچیدگی‌های غیرمنتظره نسبت می‌دهد.

**"ما در ملت‌سازی خوب نیستیم. این کار بسیار دشواری است."**

- (نقل قولی عمومی از یک مقام آمریکایی برای نمایش دیدگاه رایج)



پیچیدگی‌های پیش‌بینی‌نشده



# فرضیه جایگزین: تخریب ساختاری به مثابه استراتژی موفق

این گزارش استدلال می‌کند که "شکست" در واقع اجرای موفق یک استراتژی چهار مرحله‌ای با هدف "تخریب ساختاری" (Structural Deconstruction) و ایجاد 'بی‌ثباتی مدیریت‌شده' بوده است. هدف، جایگزینی دولت‌های مستقل با دولت‌های ضعیف و وابسته است.



## فاز ۱: جنگ اقتصادی و ارزی:

مهندسی نارضایتی عمومی.



## فاز ۲: تئوریزه کردن آشوب:

مشروعیت‌بخشی به هرج و مرج.



## فاز ۳: مداخله نظامی:

سوءاستفاده از پوشش حقوق بین‌الملل.



## فاز ۴: تخریب نهادی:

رهاسازی عامدانه و جلوگیری از بازسازی.



فاز اول

## فاز اول: جنگ اقتصادی برای "به فریاد درآوردن اقتصاد"

پیش از شلیک اولین گلوله، استراتژی آمریکا بر درهم شکستن "قرارداد اجتماعی" میان دولت و شهروندان از طریق هژمونی مالی متمرکز است. هدف، ایجاد فقر مطلق و زمینه‌سازی برای شورش است.

شهادت کلیدی:

**"اقتصاد را به فریاد درآورید."**

- هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، در توصیف استراتژی علیه شیلی که بعداً در عراق و ونزوئلا تکرار شد.

مطالعات موردی این فاز:

- عراق: جنگ ارزی و تحریم‌های کشتار جمعی
- لیبی: انجماد دارایی‌ها و وعده‌های دروغین



# مطالعه موردی عراق: عملیات سیل پول جعلی توسط CIA

در دهه ۱۹۹۰، سازمان CIA با چاپ و قاچاق مقادیر عظیمی دینار عراقی تقلبی، بازار را "سیلاب" (Flooding) کرد. هدف، ایجاد ابرتورم (Hyperinflation) و بی‌ارزش کردن پول ملی برای فلج کرلی کردن توانایی دولت در تأمین کالاهای اساسی بود.

## اینفوگرافیک: مکانیسم فروپاشی پولی



### واکنش اجباری (Forced Reaction)

اقدام آمریکا: وادار کردن بغداد به چاپ پول جدید.  
پیامد: هرج و مرج پولی و فقر مطلق.



### بی‌ثبات‌سازی (Destabilization)

اقدام آمریکا: اختلال در مبادلات.  
پیامد: سقوط ارزش دینار و نابودی پس‌اندازهای طبقه متوسط.



### تزریق (Injection)

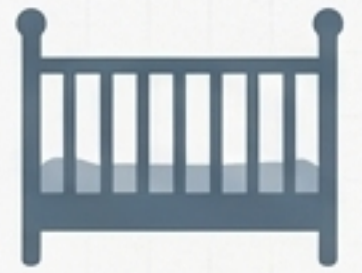
اقدام آمریکا: چاپ و توزیع اسکناس‌های جعلی.  
پیامد: افزایش ناگهانی نقدینگی.

نکته نهایی: پس از اشغال در ۲۰۰۳، سیستم بانکی عراق به طور کامل تحت کنترل آمریکا قرار گرفت تا وابستگی به دلار نهادینه شود.

## تحریم‌ها به مثابه سلاح کشتار جمعی (Sanctions of Mass Destruction)

تحریم‌های دهه ۹۰ علیه عراق، بیش از تمام سلاح‌های کشتار جمعی (هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک) در طول تاریخ، انسان کشت. آمریکا با استفاده از حق وتو در کمیته ۶۶۱ شورای امنیت، عامدانه از ورود تجهیزات تصفیه آب، برق و دارو به بهانه "استفاده دوگانه" جلوگیری کرد.

۵۰۰,۰۰۰+

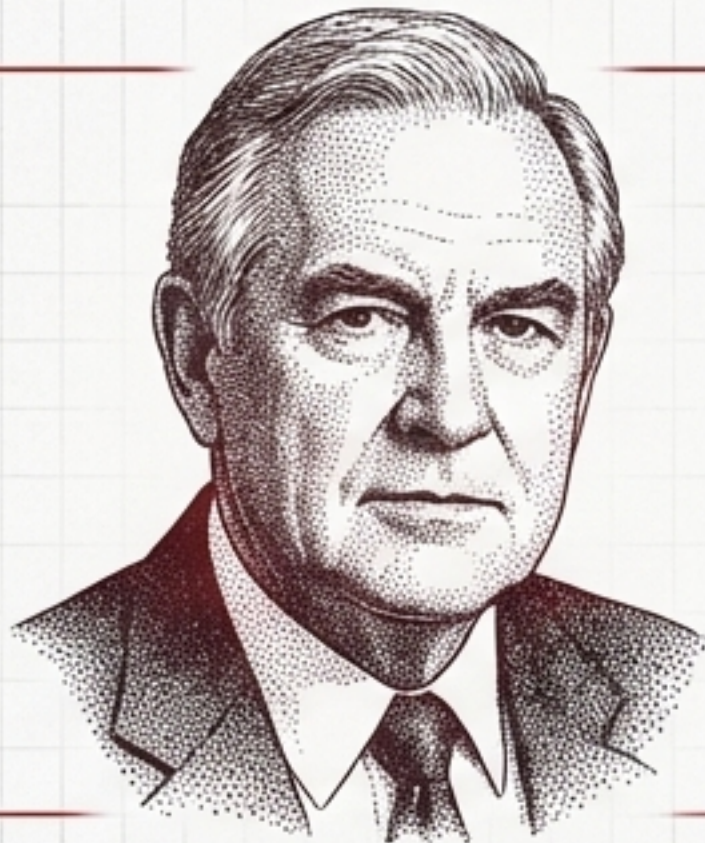


مرگ بیش از ۵۰۰,۰۰۰ کودک زیر پنج سال بر اثر سوءتغذیه و بیماری‌های قابل پیشگیری.

### شهادت کلیدی

"من واژه **نسل‌کشی** را به کار می‌برم، زیرا این یک سیاست عامدانه برای نابودی مردم عراق است."

- دنیس هالیدی، هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل، هنگام استعفا در اعتراض به تحریم‌ها (۱۹۹۸).





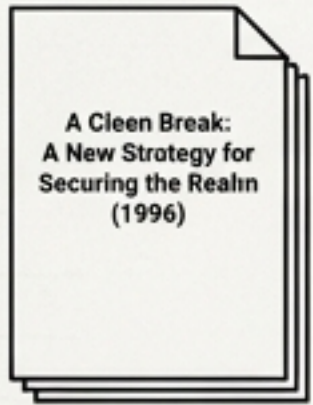
فاز دوم

## فاز دوم: تئوریزه کردن فروپاشی - از "گسست پاک" تا "هرج و مرج خلاق"

پس از آماده‌سازی بستر اقتصادی، ایالات متحده وارد فاز "مهندسی آشوب" می‌شود. بی‌ثباتی منطقه، محصول تصادف نیست، بلکه اجرای دکترین‌هایی است که سال‌ها قبل در اندیشه‌های نومحافظه‌کار تدوین شده بود.

### یک گسست پاک

نقشه راهی که توسط نومحافظه‌کارانی چون ریچارد پِرل و داگلاس فیث برای اسرائیل تهیه و بعداً توسط دولت بوش اجرا شد. اهداف اصلی: برکناری صدام حسین برای برهم زدن توازن منطقه، و جایگزینی "مهار" با "عقب‌راندن" (Rollback) تهاجمی.



ریچارد پِرل    داگلاس فیث



پست‌های کلیدی در دولت بوش

A Clean Break: A New Strategy for Securing the Realm (1996)

### هرج و مرج خلاق

"آنچه ما می‌بینیم، درد زایمان یک خاورمیانه جدید است."

- کاندولیزا رایس، ۲۰۰۶

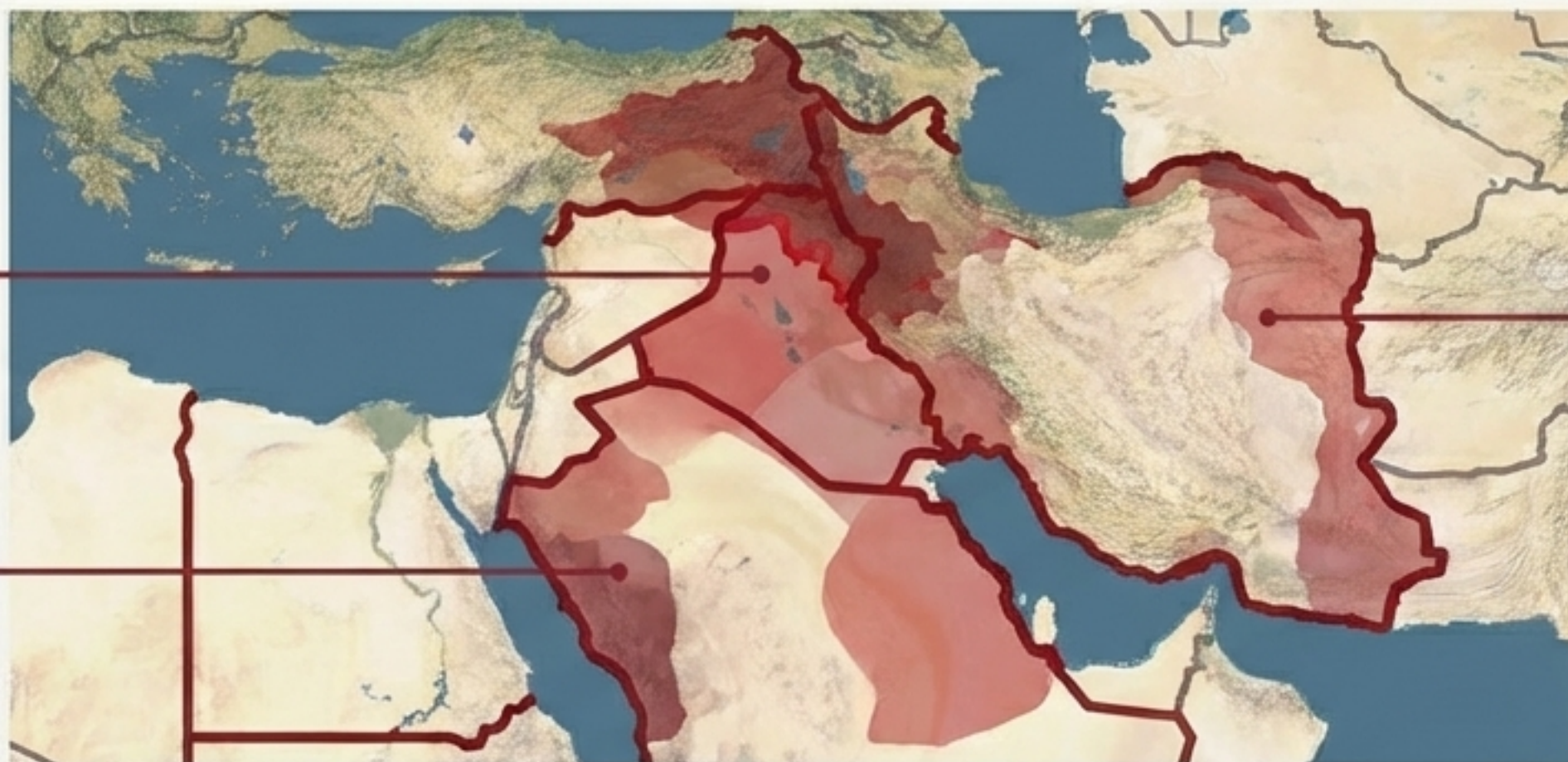
(Lebanon 2006)



این عبارت، ویرانی و جنگ داخلی را به ابزاری ضروری برای "مهندسی اجتماعی" و ترسیم مجدد نقشه منطقه تبدیل کرد.

# نقشه راه آشوب: مرزهای خونین (Blood Borders)

در سال ۲۰۰۶، سرهنگ رالف پیترز در "ژورنال نیروهای مسلح آمریکا" نقشه‌ای را برای ترسیم مجدد مرزهای مرزهای خاورمیانه بر اساس خطوط قومی و مذهبی منتشر کرد.



تجزیه به سه دولت  
سنی، شیعه و کرد.

تجزیه برای تشکیل  
کردستان بزرگ.

از دست دادن  
مناطق نفت خیز.

**ارتباط با سیاست رسمی:** اگرچه مقامات آمریکایی این نقشه را سیاست رسمی ندانستند، اما این نقشه به طور گسترده در آکادمی‌های نظامی آمریکا و ناتو و ناتو برای آموزش افسران ارشد استفاده می‌شد و سیاست‌های میدانی آمریکا (مانند تحمیل فدرالیسم در عراق) در راستای تحقق آن بود.



فاز سوم

# فاز سوم: فریب افکار عمومی با پوشش حقوق بین الملل

برای عملیاتی کردن دکترین‌های آشوب، به یک "بهبانہ مشروع" (Casus Belli) نیاز بود. آمریکا با استفاده ابزاری از حقوق بین الملل و دروغ‌های اطلاعاتی، مجوز مداخله را کسب کرد.

عراق - از سلاح کشتار جمعی تا دموکراسی اجباری



دروغ اولیه: ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی (WMD). مقامات بوش حداقل ۹۳۵ بار اظهارات نادرست در این مورد بیان کردند.

تغییر روایت: پس از افشای دروغ، توجیه به "مداخله بشردوستانه" تغییر کرد؛ روایتی که دیده‌بان حقوق بشر آن را رد کرد.

لیبی - سوءاستفاده از دکترین "مسئولیت حمایت" (R2P)



مجوز محدود: قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت تنها اجازه ایجاد منطقه پرواز ممنوع برای "حفاظت از غیرنظامیان" را می‌داد.

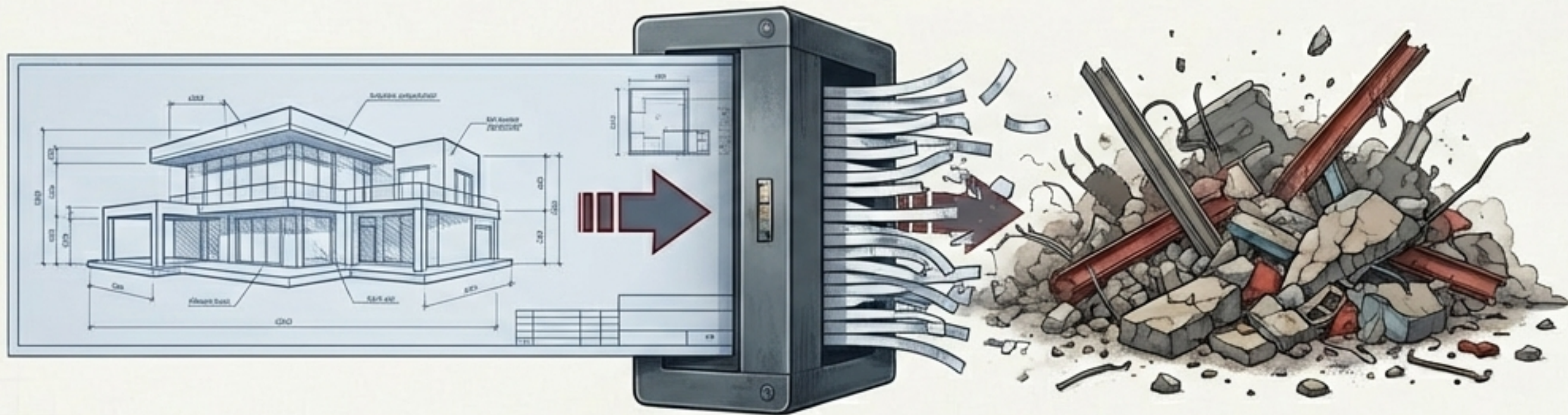
خیانت به mandate: ناتو از این مجوز فراتر رفت و عملاً به نیروی هوایی شورشیان برای "تغییر رژیم" تبدیل شد.



# فاز چهارم: تخریب ساختاری و اثبات عدم نیت سازندگی

**سوال کلیدی:** آیا آمریکا پس از مداخله، برنامه‌ای برای بازسازی و بهبود اوضاع اقتصادی داشت؟

**پاسخ قاطع:** شواهد نشان می‌دهند که آمریکا نه تنها برنامه‌ای نداشت، بلکه **عامدانه ساختارهای اداری و اقتصادی بومی را منهدم کرد** تا از ظهور مجدد یک **دولت-ملت مستقل** جلوگیری کند.



**شواهد کلیدی** که در ادامه بررسی می‌شوند:

- نادیده گرفتن برنامه‌های بازسازی از پیش آماده‌شده: پرونده "پروژه آینده عراق".
- صدور دستورات ویرانگر: انحلال نهادهای دولتی توسط پل برمر.
- غارت مالی سیستماتیک: ناپدید شدن میلیاردها دلار از دارایی‌های عراق.

EVIDENCE

# دو راهی سرنوشت‌ساز: نادیده گرفتن نقشه راه بازسازی

سند نادیده گرفته شده: پروژه "آینده عراق"  
(The Future of Iraq Project)



شرح: برنامه‌ای جامع در ۱۳ جلد که پیش از جنگ توسط وزارت خارجه آمریکا و با همکاری ۲۰۰ کارشناس عراقی برای انتقال قدرت و بازسازی تهیه شده بود.

سرنوشت: دونالد رامسفلد و پنتاگون این طرح را کاملاً کنار گذاشتند و آن را را "کار روشنفکران" خواندند.

دستورات ویرانگر پل برمر (حاکم غیرنظامی آمریکا)

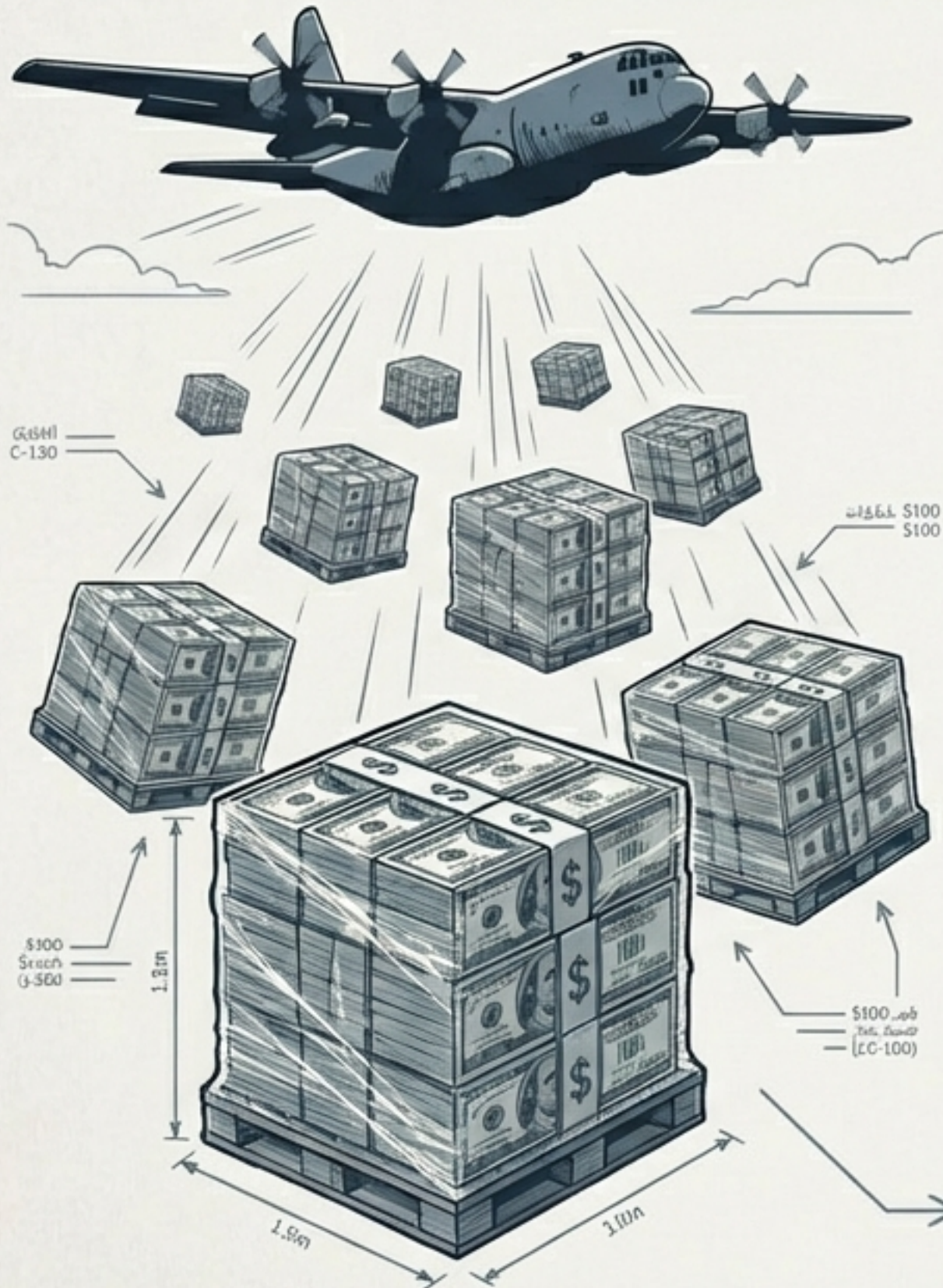


دستور شماره ۱: بعثزدایی (De-Baathification): اخراج ده‌ها هزار مدیر، مدیر، معلم و مهندس باتجربه که سیستم اداری را فلج کرد.

دستور شماره ۲: انحلال نهادها: انحلال ارتش ۴۰۰ هزار نفری عراق که مستقیماً صدها هزار مرد مسلح را به سمت شورش سوق داد.

نتیجه‌گیری: این تصمیمات، استراتژی عامدانه "دولت‌زدایی" (De-statization) را برای ایجاد خلأ امنیتی و توجیه حضور بلندمدت آمریکا اثبات می‌کند.

# غارت به جای بازسازی: سرنوشت ۱۲ میلیارد دلار پول نقد



پرونده مالی

دولت بوش حدود ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های عراق را به صورت نقد (اسکناس‌های ۱۰۰ دلاری) با هواپیماهای C-130 به بغداد منتقل کرد. این بزرگترین انتقال پول نقد در تاریخ فدرال رزرو بود.

نتیجه (بر اساس گزارش‌های بازرسی ویژه بازسازی عراق - SIGIR):



ناپدید شدن حدود ۹ میلیارد دلار: هیچ سندی برای نحوه خرج این پول‌ها وجود ندارد.



فساد پیمانکاران: شرکت‌هایی مانند هالیبرتون قراردادهای میلیاردی بدون مناقصه گرفتند، اما بسیاری از پروژه‌ها هرگز تکمیل نشدند.

پاسخ حاکم آمریکا (نقل قول پل برمر در کنگره):  
"در جنگ هرچ و مرچ پیش می‌آید."

# ترازنامه ویرانی: مقایسه وضعیت عراق و لیبی قبل و بعد از مداخله

مقایسه وضعیت عراق  
(قبل از ۲۰۰۳ در برابر پس از اشغال)



از آسیب‌دیده اما متمرکز **به فروپاشیده** و قطعی مداوم.



از متمرکز دولتی **به** رتبه ۱۷۸ از ۱۸۰ (فراگیر).



از تحت کنترل (با وجود جعل) **به وابستگی کامل** به دلار فدرال رزرو.

جدول شکاف وعده و عمل در لیبی  
(وعده ۲۰۱۱ در برابر واقعیت ۲۰۲۴)



وعده دموکراسی و ثبات  
**واقعیت:** دو دولت رقیب و جنگ داخلی.



وعده رفاه نفتی  
**واقعیت:** غارت منابع و محاصره بنادر.

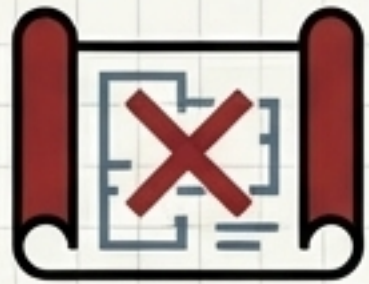


وعده آزادسازی دارایی‌ها  
**واقعیت:** تداوم انجماد دارایی‌ها در بانک‌های غربی.



# حکم نهایی: استراتژی "تخریب خلاق" (Creative Destruction)

خلاصه شواهد:



**عامدانه بودن تخریب:** رد کردن "پروژه آینده عراق" و انحلال ارتش نشان می‌دهد که هرچند و مرچ بخشی از طرح بود، نه عارضه جانبی آن.



**استفاده ابزاری از نارضایتی:** آمریکا با تحریم‌ها نارضایتی را 'تولید' کرد و سپس از آن به عنوان 'مجوز اخلاقی' برای مداخله بهره برد.



**غارت به جای بازسازی:** ناپدید شدن میلیاردها دلار از اموال عراق و لیبی، دروغ بودن وعده‌های اقتصادی را آشکار ساخت.

**نتیجه‌گیری استراتژیک:** هدف، جایگزینی دولت‌های مستقل با دولت‌های ضعیف و شکست‌خورده (Failed States) برای حفظ کنترل ژئوپلیتیک بر منابع انرژی و کریدورهای استراتژیک است.

# از ملت‌سازی (Nation-Building) تا ملت‌سوزی (Nation-Burning)

تاریخ این مداخلات نشان می‌دهد که به جای 'ملت‌سازی'، عملاً 'ملت‌سوزی' کرده است. اپوزیسیونی که به وعده‌های بازسازی دل می‌بندد، با نگاه به بغداد و طرابلس درمی‌یابد که 'روز بعد' از مداخله، نه روز شکوفایی، بلکه آغاز دورانی از آشوب بی‌پایان و غارت سیستماتیک است.

